

گیشه پول

باز خوانی پرونده شبکه بانکی تورم و نقدینگی (۱۵)

نوسان پرشتاب تورم در ۹۰

■ **شرق**، راسل آرمیان: بسیاری سال ۹۰ را سال افزایش تورم و نقدینگی می‌نامند. عملکرد دولت در آخرین روزهای سال گذشته نیز گویای این واقعیت بود. دولت کرد، بودجه‌ای که در ابتدای بررسی، انبساطی نام گرفت و رشدی به میزان ۴۷درصد رشد را نشانه رفت. از اینجا بود که سال ۹۰ سال ۸۹ بودجه سال ۹۰ را به مجلس ارائه کرد، بودجه‌ای که در دلالتی بود که در تورم فراینده سال ۹۰ نقش داشت. البته استرات افزایش تورم حاصل از هدفمندی یارانه‌ها به شهر یوز سال ۸۹ بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی به واسطه کاهش تورم و تک رفعی شدن آن مشغول جشن بود. با این حال دیری نپایید که جشن او به پایان رسید و انتشار خبر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تورم را در مسیر جهش قرار داد. او در بحبوحه رزم‌مهای اجرای قطعی قانون هدفمندی در مسیری همسو با دولت قرار گرفت و تمامی پیش‌بینی‌های موجود درخصوص تورم حاصل از هدفمندی یارانه‌ها را غیرواقعی اعلام کرد. بهمنی به عنوان متولی اصلی محاسبه و اعلام تورم، در میان موجی از پرسش‌ها تورم این بخش را ۱۵درصد علاوه بر توروم موجود در آن زمان عنوان کرد. با این حال عده‌ای بودند که نظرهای دیگری داشتند. در صدر آنها احمد توکلی، چهره شاخص اصولگرای مجلس قرار داشت که توروم حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه را در چند سناریو پیش‌بینی کرد که یکی از آنها تورم ۰عصرصد بود. توکلی بعدها یعنی اردیبهشت‌ماه سال جاری تورم حاصل از هدفمندی یارانه‌ها را با توجه به منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها که در بودجه ۹۰ پیش‌بینی شده بود، ۴۰درصد عنوان کرد. اما واکنش دولت به سخنان و پیش‌بینی‌های توکلی از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود. همه نهادهای دولتی که به نوعی با تورم، اندک رابطهای داشتند احمد توکلی را به باد انتقاد گرفتند و تحلیل‌های او را غیرکارشناسی نامیدند. یکی از آنها معاون برنامه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری بود. اگرچه روی سخن او با توکلی نبود اما او در پاسخ به کسانی سخن می‌گفت که تورم حاصل از هدفمندی یارانه‌ها را ۲۰درصد عنوان کرده بودند. قاسمی، سه چهار ماه پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با افتخار اعلام کرد، تورم ناشی از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تنها به تا چهارصد درصد شده است. گویا این بار نوبت دولتمردان بود که برای صعود کم تورم پایکوبی کنند. البته آنان هر دم که فرصت یافتند از تورم و موقعیت‌های خود گفتند و هنوز هم می‌گویند. برای نمونه به تازگی وزیر اقتصاد از قدردانی صندوق بین‌المللی پول به واسطه اجرای موفقیت‌آمیز هدفمندی یارانه‌ها و مدیریت درست آن گفت. البته او تنها به این نکته بسنده نکرد و گفت، تورم، اگرچه به دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها افزایش یافته اما از آذر سال جاری سیر نزولی در پیش می‌گیرد و کاهش می‌یابد. این تنها پیش‌بینی وزیر اقتصاد نیست بلکه پیشتر از او بهمنی این پیش‌بینی را مطرح کرده بود. همه این تعریف و تمجیدها در شرایطی شنیده می‌شود که تورم از خردادماه سال جاری تاکنون به سر ویژه دولتمردان بدل شده و از دسترسی عموم خارج شده است. براساس قانون برنامه پنج‌ساله توسعه مرکز آمار ایران متولی محاسبه و اعلام نرخ تورم شد. با این حال این نهاد تاکنون اقدام به اعلام عمومی آمار نکرده و هر دم شخصی به غیر از مرکز آمار نرخ تورم را اعلام می‌کند. نرخ تورمی را به عرضه می‌گذاشت که چندین‌درصد بالاتر از نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی بود. همین مساله باعث شد بسیاری آمار این مرکز را بیشتر از آمار بانک مرکزی نزدیک به واقعیت بدانند. تمایلی این رخدادها موجب شد در نهایت مرجعیت اعلام آمار از جمله آمار مربوط به تورم به این مرکز واگذار شود. تقریباً از همان زمان هم آمار محرمانه شد و مجلس نشینان در انتقاد به عدم اعلام آمار بسیاری را به مجلس فراخواندند. رئیس مرکز آمار یکی از افرادی بود که چندساعتی میهمان اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شد. با این حال، او پاسخی جز این نداشت که به صلاح است آمار برای دولتمردان منتشر شود و اعلام عمومی نشود. نمایندگان مجلس بالاخره ترجیح دادند طرحی را تصویب کنند تا براساس آن برخی از نهادهایمانند بانک مرکزی بتوانند به طور موازی با مرکز آمار، شاخص‌های کلانی چون تورم را اعلام کنند. همین نکته‌نشان‌دهنده افزایش شدید تورم است که دولتمردان آن را امری غیرممکن می‌نامیدند و حتی خبر از کاهش آن از آذرماه سال جاری می‌دهند. آخرین نرخ تورمی که اعلام شد، مربوط به مردامه به میزان ۱۷/۳درصد است. آخرین رقم نقدینگی نیز که اعلام شده بالغ بر ۳۰۵ هزار میلیارد تومان می‌شود که آن نیز به مردامه بازمی‌گردد. نگاهی به خبرهای ریز و درشت این روزها واقعیتی انکارناپذیر را فاش می‌کند که بر افزایش تورم و نقدینگی دلالت دارد. به جز بودجه انبساطی دولت در سال ۹۰، ایجاد خطوط اعتباری برای مسکن مهر و قول مساعد بهمنی به دولت برای اختصاص ۵۸هزار میلیارد تومان نقدینگی برای ایجاد اشتغال رنگ و بوی تورم دارد. اما بهمنی در دفاع از خود می‌گوید برای تامین این میزان منابع چاپ پول انجام نمی‌شود و بانک‌ها این قابلیت را دارند که تمایلی آن را تأمین کنند. با این حال باید منتظر بود و دید که تا پایان سال چه بلایی سر تورم و نقدینگی می‌آید؛ البته اگر در این فضایی که آمار محرمانه است، آماری از تورم به بیرون درز نکند.

علی آرمان: وقتی حرف از تولید می‌شود، صف می‌کشند مشکلاتی که در پی سیاست‌های اقتصادی شکل گرفته‌اند و نگرانی‌هایی که از آینده تولید که قد علم کرده‌اند. واردات بی‌رویه، مشکلات تأمین نقدینگی، عدم حمایت از تولیدکننده در مقابل قاچاق کالا همه و همه فریادی شده‌اند که همواره تکرار می‌شوند تا مشکلات همیشگی تولیدکنندگان را به نمایش بگذارند و بگویند که هیچ فکری برای این مشکلات نشده است، هنوز مشکلات پابرجا هستند و وعده‌های راه به جایی ندارند. مشکلات می‌گویند و از خطر ورشکستگی که آینده‌اش را می‌بندد که اگر قرار بود روزگار به گذشته بازگردد آیا تولیدکننده کنونی بار دیگر تولید را انتخاب می‌کرد و نام تولیدکننده بر خود می‌گذاشت؟ یا واسطه‌ای می‌شد و تنها سود می‌برد؟ در این خصوص بابر خی تولیدکنندگان به گفت‌وگو نشستیم و پرسشی که در ذهن نقش بسته بود را پرسیدیم. برخی از این پرسش تشکر می‌کردند و برخی نیز تعجب کرده و می‌گفتند که سؤال ندارد مگر تولیدکننده حمایتی دیده است که بخواهد دوباره در راهی قدم بگذارد که آخر و عاقبت آن نگرانی از فرادی نزدیک باشد. آنها معتقدند تا زمانی که شرایط همین گونه باشد هیچ گاه در این راه قدم نخواهند گذاشت.

■ ■ ■

یک: می‌خندد و گونه‌هایش در هم فرو می‌روند، دست روی شکمم می‌کشد و می‌گوید من تنها تولیدکننده‌ای هستم که شکمم از خودم، نزدیک نیمم متر جلوتر می‌رود و دوباره می‌خندد. در و دیوار اتاقش پر بود از عکس‌های صنعتی و پوستریهای بزرگی که عکس‌های یادگاری او را به تصویر می‌کشیدند. در همه آنها لیخنه می‌زد. به عکس‌ها اشاره می‌کرد و می‌گفت، حیف که در عکس صدای خنده ثبت نمی‌شود، چون در همه این تصاویر من در حال خندیدن با صدای بلند بودم. گوشه راست اتاقش قطعات صنعتی را به طور مرتب چیده بودند. برای لحظه‌ای فکر کردم که باید حتما خیلی سخت باشد، یعنی در اتاقی کار کنی که بوی روغن صنعتی می‌دهد و صدای خطوط تولید دایم از سر و کول آدم بالا می‌رود ولی با این وجود یک لحظه هم خنده فراموش نشود. از او پرسیدم آقای تولیدکننده، راز شادی شما چیست و او خیلی کوتاه پاسخ داد: «بی خیالی». پاسخ، کوتاه اما تا حد زیادی جالب به نظر می‌رسید. «بی خیالی» را قبل‌ا نیز از یک تولیدکننده شنیده بودم، یعنی چند روز پیش که تلفنی با یکی از صنعتگران نام آشنا صحبت می‌کردم، وقتی از او پرسیدم که این روزها چگونه با مشکلات موجود در تولید کنار می‌آید، خیلی کوتاه و آرام گفت: «زدم به بی‌خیالی».

ایین برای بار دوم بود که از یک تولیدکننده این واژه را می‌شنیدم. ذهنم درگیر شده بود. خاطرم را دوره می‌کردم. «بی خیالی» واژه آشنایی بود. حتما تولیدکنندگان زیادی از این کلمه استفاده کرده بودند. در این گمان بودم که سوت دستگاه تولید، دوباره مرا به اتاق مدیریت کارخانه پرتاب کرد. آقای مدیر روبروی من نشسته بود و همچنان دستانش روی شکمش گره خورده بود. لیخنه هنوز روی لب‌هایش بود. گفت این سوت هم برای ما دردرس شده است. تولید ما به یک پنجم کاهش یافته، تعداد کارگران ما تا یک سوم کم شده و بازار خود را دو دستی به چینی‌ها داده‌ایم، اما هر از گاهی سوت تولید را به صدا در می‌آوریم که خوشحال شویم و یامان بماند هنوز زنده‌ایم و دوباره لیخنه، همه چیز را در خود فرو برد. سوت کارخانه ظاهرا نشان تعویض قطعات دستگاه‌ها، برای چرخش خط تولید بود. به آقای مدیر گفتم اگر به سال‌های قبل بازگردی و دوباره بخواهی درگیر کار اقتصادی شوی، باز هم تولید را انتخاب می‌کنی؟ و او پاسخ داد: «حتما اما به بقیه می‌گویم این کار را نکنند. چون در این کشور، تولید قبل از آغاز محکوم به شکست است. ما همیشه امیدی برای سرمایه‌گذاری صنعتی نداشته‌ایم و نداریم. ما همیشه به سرمایه‌داری تجاری بدهکار بودیم».

پرسیدم: پس چرا دوباره

حاضرید این کار را انجام بدهید و تولیدکننده باشید، که او پاسخ داد: «چون خلق می‌کنم و این کار بسیار شیرین است. مزه تولید رهایم نمی‌کند. با همه گرفتاری‌ها باز هم تولید را دوست دارم، اما به فرزندان و دوستان می‌گویم همیشه از تولید دور شوید». آقای تولیدکننده با صدای بلند می‌خندد. **دو:** «هرگز به تولید نگاه هم نمی‌کردم». این را یک تولیدکننده قند و شکر گفت. وقتی سراغ او رفتم آنقدر آشفته بود که با ترس به دیوار اتاقش تکیه زدم. آقای مدیر با صدای بلند و کمی خشن دعوت کرد که در مقابل او بنشینم. گوشه چشم راستش هر چند لحظه یکبار، به تندی زیره‌ای به گونه‌اش می‌زد. عصبانی بود. گوشه‌ی تلفن را برداشت و شماره‌ای گرفت و بعد از چند ثانیه با تمام توانش در گوشه فریاد می‌زد. به خودم گفتم چه اشتباهی کردم، ای کاش به این کارخانه نمی‌آمدم. نفسم گرفته بود و دعا می‌کردم زودتر به پرششم پاسخ بدهد و برگردم. ظاهرا چکی با رقم درشت برگشت خورده بود و همین باعث شده بود که تا حد زیادی تشنج در اتاق آقای مدیر چرخ بزند. منشی کارخانه در میان دعوای مدیر با تلفن آهسته داخل شد و یک بسته کاغذ از روی میز برداشت و آهسته از اتاق خارج شد. وقتی مکالمه تلفنی تمام شد، کمی شجاع شدم یک لیوان آب به آقای مدیر تعارف کردم.

اقتصاد

گپ و گفتی با صنعتگران؛ اگر به گذشته بازگردید آیا تولید را انتخاب می‌کنید؟

نه!



ویدئو: سید علی

«ای کاش هرگز تولیدکننده نمی‌شدم. این بزرگ‌ترین اشتباه زندگی من بود؛ یک اشتباه ارثی و حالا باید تاوان آن را پس بدهم. پسر عموی من که یک سوم من درس خوانده بود، تاجر شد و حالا به لطف تجارت کالاهای چینی، جنون پول گرفته است اما من چون تولید می‌کنم همیشه له شدم. شما می‌پرسید اگر دوباره می‌خواستیم فعالیت اقتصادی را شروع کنم چه کاری انتخاب می‌کردم و من با قطعیت می‌گویم، تولیدکننده نمی‌شدم و می‌رفتم سراغ تجارت. تاجران در این کشور عزیز می‌شوند». آقای مدیر وقتی این کلمات را می‌گفت آرام شده بود و بعد از گفتن چند کلمه، دایم سکوت می‌کرد. چند باری هم بلند شد و در اتاق قدم زد. می‌گفت تولید را دوست دارم اما ای کاش جوان می‌شدم و فرصت انتخاب شغل را دوباره پیدا می‌کردم در آن صورت، هرگز دست روی تولید نمی‌گذاشتم. نوشتن این جمله سخت است اما گلولی آقای مدیر گرفت و کلماتش می‌لرزیدند. او...

سه: «مگر تولیدکنندگان هم دیر بر سر کار خود حاضر می‌شوند؟» این جمله را من از منشی دفتر یکی از تولیدکنندگان نام آشنا پرسیدم و او گفت این روزها تولیدکنندگان هم بدقول شده‌اند، چون زیاد کار ندارند و بیشتر در خانه به سر می‌برند. البته به نظرم این ادعا یک شوخی بود، ولی به هر حال می‌توانست پاسخ مناسبی برای دیرکردن آقای مدیر و انتاج یک گفت‌وگوی کوتاه باشد. با او ساعت ۱۰ صبح قرار داشتیم و حالا ساعت نزدیک ۱۱ بود، فقط او یک‌بار پیام داده بود که منتظر باشیم، چون کمی دیر می‌رسد. او درست ساعت ۱۱:۱۵ یک روز بسیار گرم تابستانی به دفتر خود رسید و وقتی آمد دانه‌های درشت عرق روی صورتش رزه می‌رفتند. البته در چنین حالتی نیز بوی تند عطر از آقای مدیر به مشام می‌رسید و دفتر را عطرآگین کرده بود. وقتی به اتاق او رفتم، قبل از هر چیز از من پرسید: «شما خبرنگارها کار ندارید» و این پرسشی بود که می‌شد با زیرکی به آن پاسخ داد: «مثل شما تولیدکنندگان خیلی درگیر نیستیم». آقای مدیر آرام بود و ترجیح می‌داد پپ خود را در گوشه دهانش حفظ کند و به پرسش ما پاسخ بدهد. از نظر او هیچ تولید کننده‌ای نباید در موقعیت انتخاب دوباره، تولید را انتخاب کند، چون تولیدکنندگان مزه زندگی را درک نمی‌کنند. او تمام جملاتش را با افعال جمع به پایان می‌رساند و همه تولیدکنندگان را مورد خطاب قرار می‌داد. بارها از او پرسیدم شما به تنهایی اگر بخواهید دوباره تولیدکننده شوید، چه می‌کنید و او هم می‌گفت، همان کاری که همه تولیدکنندگان در چنین موقعیتی انجام می‌دهند، هرگز تولید را دوباره انتخاب نمی‌کردم. آقای مدیر صنعتی پپ خود را پاک کرد و دستی در موهای خود فرو برد. فضای اتاق بوی تند «توتون فرنگی» می‌داد. این اصطلاحی بود که آقای مدیر به کار می‌برد. او می‌گفت من روزی یک بسته «توتون فرنگی» می‌خرم و دایم به این فکر می‌کنم که چگونه می‌توانم واردکننده کالاهای مصرفی بشوم. وقتی از اتاق او خارج می‌شدم با خنده پرسید: «کسی را می‌شناسید که به من واردات آموزش بدهد؟»

ای کاش هرگز تولیدکننده نمی‌شدم. این بزرگ‌ترین اشتباه زندگی من بود؛ یک اشتباه ارثی و حالا باید تاوان آن را پس بدهم. پسر عموی من که یک سوم من درس خوانده بود، تاجر شد و حالا به لطف تجارت کالاهای چینی، جنون پول گرفته است اما من چون تولید می‌کنم همیشه له شدم

پرسیدم: چرا دوباره حاضرید این کار را انجام بدهید و تولیدکننده باشید، که او پاسخ داد: «چون خلق می‌کنم و این کار بسیار شیرین است. مزه تولید رهایم نمی‌کند. با همه گرفتاری‌ها باز هم تولید را دوست دارم، اما به فرزندان و دوستان می‌گویم همیشه از تولید دور شوید». آقای تولیدکننده با صدای بلند می‌خندد. **دو:** «هرگز به تولید نگاه هم نمی‌کردم». این را یک تولیدکننده قند و شکر گفت. وقتی سراغ او رفتم آنقدر آشفته بود که با ترس به دیوار اتاقش تکیه زدم. آقای مدیر با صدای بلند و کمی خشن دعوت کرد که در مقابل او بنشینم. گوشه چشم راستش هر چند لحظه یکبار، به تندی زیره‌ای به گونه‌اش می‌زد. عصبانی بود. گوشه‌ی تلفن را برداشت و شماره‌ای گرفت و بعد از چند ثانیه با تمام توانش در گوشه فریاد می‌زد. به خودم گفتم چه اشتباهی کردم، ای کاش به این کارخانه نمی‌آمدم. نفسم گرفته بود و دعا می‌کردم زودتر به پرششم پاسخ بدهد و برگردم. ظاهرا چکی با رقم درشت برگشت خورده بود و همین باعث شده بود که تا حد زیادی تشنج در اتاق آقای مدیر چرخ بزند. منشی کارخانه در میان دعوای مدیر با تلفن آهسته داخل شد و یک بسته کاغذ از روی میز برداشت و آهسته از اتاق خارج شد. وقتی مکالمه تلفنی تمام شد، کمی شجاع شدم یک لیوان آب به آقای مدیر تعارف کردم.

خیلی کوتاه و از سر شوخی گفتم، باید ذهن خود را با چکش بزنی و آن را صاف کنی. بـا او تلفنی صحبت می‌کردم، آنقدر گرفتار بود که نشد حتی برای نیم ساعت میهمان دفتر او باشم. صدایش از پشت تلفن به سختی شنیده می‌شد و از شانس بد هم گفت‌وگوی پنج یا شش دقیقه‌ای ما حداقل سه یا چهار بار قطع شد و دوباره با او تماس گرفتم. آقای مدیر می‌گفت: «آخر هم مسئولان اقتصادی بعد از نزدیک به دو دهه نتوانستند یک تلفن همراه دو دوتا چهار تا درست کنند». حق با او بود. تلفن‌های همراه هر از گاهی سوهان روح و اعصاب می‌شوند. وقتی از آقای مدیر پرسیدم که آیا حاضری جوان شوی و دوباره تولید را انتخاب کنی و او با کمی مکث و مقداری هم خنده، پاسخ داد: «حاضرم جوان شوم اما حاضر نیستم دوباره دیوانه شوم». این جمله او بیش از آنکه یک پاسخ باشد یک شوخی بود، اما باعث شد تا آقای مدیر گره در دل را پشت گوش‌ی تلفن باز کند: «تولید بهترین کار دنیاست، اما وقتی در یک اقتصاد، کمترین امنیت برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری‌های مولد و صنعتی وجود دارد، نمی‌توان سمت تولید رفت؛ چون ریسک اقتصادی را پر خطر می‌کند. داغ به دل تولیدکنندگان مانده است که یکبار شاهد ثبات در سیاست‌گذاری‌ها باشند، اما هرگز این اتفاق رخ نداده است. این مساله تولید را از سایر فعالیت‌های اقتصادی بیشتر تهدید می‌کند». سخنان آقای مدیر به وضوح روشن بود که در نهایت قرار است به پاسخ «نه» برسد. او با این جمله خداحافظی کرد: «آنچه که گفتند، نکردند و آنچه که کردند، نگفتند».

پنج: آیا تا به حال یک فعال صنعت نساجی را دیده‌اید؟ یا شاید بهتر باشد ببرسیم آیا تا به حال با یک تولیدکننده صنعت نساجی سخن گفته‌اید؟ اگر پاسخ این پرسش‌ها منفی است، پیشنهاد می‌کنیم حتما با آنها دیدار کنید. فعالان صنعت نساجی بدون تعارف صاحبان سه راه گره‌های تولید و صنعت هستند. آنها هر چند قدیمی‌ترین فعالان صنعتی ایران محسوب می‌شوند اما این روزها بیشترین دردرس‌های صنعتی نیز نصیب آنها شده است. وقتی برای این گزارش با یکی از مدیران صنعت نساجی سخن می‌گفتم، او همان پاسخ تکراری سایر تولیدکنندگان را در کوتاه‌ترین کلمه ارایه داد. با اینن فعال صنعتی نیز تلفنی صحبت کردیم. پرسش را شنید و به سرعت گفت: «نه» و دیگر حاضر نشد به گفت‌وگو ادامه دهد. البته این جمله را نیز از این فعال صنعتی شنیدیم: «حرف، زیاد زده‌ایم و زیاد شنیده‌ایم؛ فقط می‌دانم دیگر توان حرف زدن در مورد صنعت را ندارم و فقط می‌خواهم دیگر تولیدکننده نباشم. همین.»

خبر

رئیس شورای اصناف کشور:

تنظیم بازار «صورت‌جلسه‌ای» رانمی‌پذیریم

■ **فارس:** رئیس شورای اصناف کشور گفت: بدون امکانات و در حد صورت‌جلسه نمی‌توانیم بازار را تنظیم کنیم. قاسم نوده‌فرهانی، درخصوص واگذاری تنظیم بازار به اصناف گفت: واگذاری تنظیم بازار به اصناف در حد صورت‌جلسه بوده است و هیچ امکاناتی در اختیار ما قرار نداده‌اند.

احتمال توقف روند تولید و تحویل قطعات خودرویی

■ **ایستا:** در صورت عدم افزایش قیمت عادلانه قطعات تحویلی به خودروسازان، قطعه‌سازان امکان ادامه تولید و تحویل قطعه را نخواهند داشت. فرهاد بعنیا، عضو هیات‌مدیره انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو، با بیان مطلب بالا افزود: قطعه‌سازان چندی پیش در جلسه‌ای با خودروسازان اظهار کردند که عدم افزایش قیمت قطعات تحویلی منجر به تعطیلی برخی واحدهای قطعه‌سازی خواهد شد.

حذف جواز صادراتی پتروشیمی و کالاهای خام

■ **ایستا:**معاون توسعه بازرگانی خارجی وزیر صنعت، معدن و تجارت در مورد جواز صادراتی عنوان کرد: هرساله سیاست کلی ما این بوده تا جایی که ممکن است به کالای خام، مواد اولیه، پتروشیمی و کالاهای منشعب از نفت جایزه صادراتی ندهیم. و اگر احیاناً طی سال‌های گذشته جایزه داده‌ایم این را رفته‌رفته به سمت صفر برسانیم. حمید صافدل ادامه داد: در عوض سیاست ما این بوده کالاهایی که با ارزش افزوده بیشتری صادر می‌شوند، درصد جایزه آنها بیشتر شوند.

۱۵ هزار تن تخم‌مرغ وارد کشور می‌شود

■ **ایستا:** مدیرعامل اتحادیه مرغ‌داران مپهن از واردات حداقل ۱۵هزار تن تخم‌مرغ از برخی کشورها با اولویت ترکیه خبر داد. هدایت اصغری درباره واردات تخم‌مرغ گفت: قرار است به منظور تأمین بازار بخشی از تخم‌مرغ مورد نیاز از کشورهای همسایه خریداری شود. او در ادامه افزود: حداقل ۱۵هزار تن تخم‌مرغ از برخی کشورها با اولویت ترکیه خریداری و در بازار عرضه می‌شود.

